



چالش‌های قانون‌گذاری مردم در حکمرانی اسلامی با بررسی شرایط صحت شرعی تقنین از دیدگاه شهید صدر

محمود فلاح^۱ | مهدی موسوی ابراهیمی^۲

چکیده

جهان اسلام پس از مواجهه با جهان مدرن، با مسائل جدید و بسیار متنوعی مواجه شده است. از جمله مسائل و بحران‌های نوپدید که با حکمرانی مبتنی بر جمهوریت ایجاد شد، مسئله «گستره حضور مردم در عرصه قانون‌گذاری» است. مقاله پیش‌رو با کاربست روش کیفی استقرائی و عرفی با مطالعه آثار شهید صدر به بررسی چالش قانون‌گذاری مردم در حکمرانی اسلامی پرداخته و با پرسش از شرایط صحت شرعی قانون‌گذاری مردم از دیدگاه شهید صدر، به یکی از مهم‌ترین چالش‌های حکمرانی در جهان اسلام معاصر پاسخ داده است. یافته‌های تحقیق حاضر این است که در اندیشه شهید صدر، شرایط صحت شرعی قانون‌گذاری مردم، ذیل عناوین رعایت منطقه الفراغ شرعی، رعایت مصلحت عموم امت، تطبیق با مقتضیات زمان و مکان، مراعات شرایط مربوط به شخص قانون‌گذار، تحدید به رابطه انسان با طبیعت و در نهایت مطابقت با قانون اساسی، دسته‌بندی گردیده است. شهید صدر با این صورتبندی از نسبت شریعت و قانون موضوعه، در عرصه رابطه شریعت با الگوی مردم‌سالاری دینی، تحولی رقم زد که می‌توان آن را گذار از نظم سیاسی سنتی به نظم سیاسی مردمی تعبیر کرد. با توجه نظام اندیشگی شهید صدر، شریعت اسلامی از ظرفیت لازم برای حمایت تئوریک از نظریه مردم‌سالاری دینی برخوردار است.

واژگان کلیدی: مردم، قانون موضوعه، شرایط صحت شرعی قانون‌گذاری، شهید صدر، حکومت اسلامی، حکمرانی

شماره ۴ (۳۵)

سال ۱۱

زمستان ۱۴۰۳

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۳/۰۶/۱۹

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۳/۰۹/۱۲

صص: ۱۹۴-۲۱۵



DOI: 10.27834/CSIW.2409.1444.4.35.9

^۱ استادیار، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران. fallahmahmood@gmail.com

^۲ طلبه سطح سوم حوزه علمیه قم و پژوهشگر موسسه تخصصی فقه و اصول امام کاظم (ع)، قم، ایران (نویسنده مسئول).

mahdi.mo.ebrahimi@gmail.com

استناد: فلاح، محمود و موسوی ابراهیمی، مهدی. (۱۴۰۳). چالش‌های قانون‌گذاری مردم در حکمرانی اسلامی با بررسی شرایط صحت شرعی تقنین از دیدگاه شهید صدر. بحران پژوهی جهان اسلام، ۱۱(۴)، ۱۹۴-۲۱۵.



این مقاله تحت لسانس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

مقدمه

در جهان اسلام با تحولات رخ داده، مسلمانان در عرصه فکر و عمل سیاسی با مفاهیم و آموزه‌های سیاسی جدیدی روبرو شده‌اند. مقارن با بحران خلافت در جهان اسلام و همزمان با مشروطه در ایران، فکر و عمل سنتی مسلمانان با فکر و عمل سیاسی تجدد مواجه گردیده است. این مواجهه صرف نظر از علل و عوامل آن، جهان اسلام را با مفاهیمی همچون قانون، آزادی، برابری، انتخاب و غیره آشنا ساخت. در فرایند آشنایی مسلمانان با چنین مفاهیمی، برخی از جریان‌های فکری با بیگانه شمردن مفاهیم جدید بر ناسازگاری آن‌ها با مفاهیم کاربرد یافته در سنت اسلامی تأکید نمودند. برخی دیگر با پذیرش آن‌ها بر ضرورت گذار از سنت و مفاهیم سنتی اصرار ورزیدند. در این میان برخی دیگر با اعتقاد به امکان سازگاری این مفاهیم جدید با مفاهیم سنتی، بر ضرورت بازسازی اندیشه سنتی در پرتو این مفاهیم استدلال آوردند.

با مطالعه اندیشه سیاسی متفکران جهان اسلام به‌طور کلی دو دسته از اندیشمندان را می‌توان مشاهده کرد؛ نخست متفکرانی که مفاهیم سیاسی جدید را بر نمی‌تابند و دوم، اندیشمندانی که تلاش علمی گسترده‌ای در جهت حل بحران و هم‌سازسازی مفاهیم مذکور با مفاهیم کاربرد یافته در شریعت اسلامی انجام داده‌اند. در نظر گروه دوم، این بحران در حکومت‌های مردم سالار اهمیت فزاینده‌ای می‌یابد، چراکه هرگاه سخن از حکومت مردم سالار باشد، حضور فعالانه مردم در عرصه‌های مختلف حکمرانی مطرح می‌گردد. عرصه‌هایی که از جمله آن قانون و قانون‌گذاری است که کنش کارگزاران مردم در آن عرصه، هویت مردم سالارانه آن حکومت را موجودیت می‌بخشد (Lipset, 2004: 2/700). در نتیجه بحرانی میان شریعت به‌عنوان تأمین‌کننده هویت اسلامی و قانون‌گذاری مردم به‌عنوان کنش کارگزاران آن‌ها در عرصه حکمرانی در خواهد گرفت.

این بحران نشان‌دهنده این واقعیت است که مفهوم حکمرانی در شریعت اسلامی دارای مختصات هندسی خاصی است که با مفاهیم جدید غربی تفاوت مبنایی دارد. در نتیجه برداشت‌های نوگرایانه از مفاهیم قانون و قانون‌گذاری، فهم و شناخت مختصات معنایی حکمرانی سیاسی در اسلام را، آن‌گونه که طی قرن‌ها فقها با آن زیسته و بدان نگریسته‌اند، از هر زمان دیگر دشوارتر ساخته است. بدین به‌منظور شناخت ساختمان معنایی حکمرانی که از نظر شریعت اسلامی تحقق آن مطلوب است، اندیشه و تفکر «محمد باقر صدر (م ۱۳۵۹م)» به‌عنوان یکی از اندیشمندان مسلمان که کوشیده است تا

با هم‌سان‌سازی مفاهیم سیاسی جدید با مفاهیم کاربرد یافته در شریعت اسلامی، بحران پیش آمده را مدیریت کند، مورد بررسی قرار می‌دهیم. بر این مبنای، ایشان در پاسخ به این پرسش که چه نسبتی میان شریعت اسلامی و مفهوم قانون وجود دارد؟ و آیا شریعت اسلامی مفهوم قانون و شاخص‌های آن را بر می‌تابد؟ دیدگاه‌های نوینی در زمینه حکمرانی اسلامی و «شرایط و محدودیت‌های قانون‌گذاری توسط مردم در شریعت اسلام» ارائه نموده و توجه جامعه علمی را در جهان اسلام به خود معطوف داشته‌است.

در پژوهش حاضر با طرح مسئله ناظر به عمل و توجه به شرایط قانون‌گذاری مردم و هم‌چنین توسعه دامنه کتابخانه‌ای تحقیق به تمام آثار شهید صدر در موضوعات فقه، اصول فقه، اقتصاد و سیاست، سعی خواهد شد یک نظام به هم پیوسته و جامع از اندیشه شهید صدر، توضیح شفاف و جامعی از نظام اندیشه‌ای ایشان پیرامون مسئله کاربردی خود داشته باشیم. به ادعای برخی پژوهشگران، شهید صدر در تدوین قانون اساسی نظام اسلامی مردم‌سالار در ایران نقش بسزایی داشته^۱ و خبرویت و تخصص قابل توجهی در اجتهاد و اسلام‌شناسی از خود به ظهور رسانده‌است، در نتیجه ضرورت پرداختن به دیدگاه‌های ایشان در خصوص مسئله‌ای که از مبانی تئوریک نظام مردم‌سالار دینی است و رابطه دین و مردم را در حکومت واضح می‌کند، بیش از پیش آشکار و روشن می‌گردد.

پژوهش‌های فراوانی در خصوص اندیشه سیاسی شهید صدر، انجام شده است که می‌توان به‌طور کلی آن‌ها را در سه دسته تقسیم‌بندی کرد: نخست پژوهش‌هایی که غالباً به بررسی مبانی شهید صدر، خصوصاً مبنای منطقه الفراغ پرداخته‌اند مانند مقاله «حکومت اسلامی در اندیشه سیاسی شهید صدر (بررسی مؤلفه‌های صوری و ماهوی حکومت اسلامی در دوران غیبت)»^۲، دوم پژوهش‌هایی که بر

^۱ ر.ک: پناهی ارسنجانی، سجاد. تاثیر اندیشه‌های علامه سید محمد باقر صدر در قانون اساسی ج.ا.ا. انسان پژوهی دینی، ش ۱۷ و ۱۸ اسفند ۱۳۸۷، ص ۱۷۳-۱۹۳

Hrair dekmejian R. (1995). Islam in revolution : Fundamentalism in the arab world, Syracuse new York, Syracuse university press, Second edition, pages 125-127

^۲ ر.ک: مقاله «حکومت اسلامی در اندیشه سیاسی شهید صدر (بررسی مؤلفه‌های صوری و ماهوی حکومت اسلامی در دوران غیبت)»، پدیدآورنده(ها): محمد حسین جمشیدی، مسعود درودی: نشریه حکومت اسلامی: تابستان ۱۳۹۱، شماره ۶۴

نشریه علمی بحران پژوهی جهان اسلام

اساس دیدگاه‌های مقایسه‌ای و انتقادی بخش‌هایی از نظام اندیشه‌ای ایشان را بررسی نموده‌اند، مانند مقاله «مردم سالاری دینی در نگاه امام خمینی و شهید صدر بررسی مقایسه‌ای مکتب سیاسی قم و نجف»^۱، سوم پژوهش‌هایی که در باب تفکر سیاسی و فقهی شهید صدر در خصوص قانون‌گذاری انجام شده است؛ مانند مقاله «بازپژوهی مبانی قانون‌گذاری در منطقه الفراغ (نظام فقهی حقوقی شیعه) با تأکید بر انگاره شهید صدر»؛ هم چنین مقاله «مفهوم قانون‌گذاری در آرای فقهی و حقوقی سید محمد باقر صدر» و نیز مقاله «قانون و مبانی هستی‌شناختی آن در فلسفه سیاسی شهید صدر»^۲ اما چنین به نظر می‌رسد که این پژوهش‌ها در خصوص مسئله پژوهش حاضر یعنی نوآوری‌های شهید صدر نسبت به چگونگی و الزامات قانون‌گذاری در فقه سیاسی اسلام پاسخ‌گو نبوده و در نتیجه انجام پژوهش‌های تکمیلی ضروری به نظر می‌رسد.

در افق پژوهش حاضر با روش تحقیق کیفی استقرائی و عرفی^۳ پس از تبیین چارچوب مفهومی پژوهش، با مراجعه کتابخانه‌ای به آثار گوناگونی که از شهید صدر در دسترس است، هر آن‌چه را که نسبت معنایی عرفی با تعیین گستره قانون‌گذاری مردم دارد، بررسی و دسته‌بندی خواهیم نمود، تا در نهایت با بررسی شرایط و محدودیت‌های شرعی قانون‌گذاری از سوی مردم در اندیشه شهید صدر پاسخ مناسبی را برای مسئله اصلی فراهم آوریم. این مسئله میان رشته‌ای بوده و در حوزه فقه، حقوق و سیاست طبقه‌بندی می‌شود.

^۱ ر.ک: مقاله «مردم سالاری دینی در نگاه امام خمینی و شهید صدر بررسی مقایسه‌ای مکتب سیاسی قم و نجف»، پدیدآورنده(ها): سید حسین اطهری، سید مرتضی نوعی باغبان، سارا خداکریمی: نشریه پژوهش‌های سیاست اسلامی: پاییز و زمستان ۱۳۹۳ شماره ۶؛ هم‌چنین مقاله «نقش مردم در حکومت اسلامی از نگاه مقام معظم رهبری و شهید صدر»، پدیدآورنده: سید حامد شاهرخی: فرهنگ پژوهش: شماره ۱۲

^۲ ر.ک: مقاله «بازپژوهی مبانی قانون‌گذاری در منطقه الفراغ (نظام فقهی حقوقی شیعه) با تأکید بر انگاره شهید صدر». پدیدآورنده(ها): علی اکبری بابوکانی، احسان آهنگری: نشریه حکومت اسلامی: زمستان ۱۳۹۵. شماره ۸۲؛ هم‌چنین مقاله «مفهوم قانون‌گذاری در آرای فقهی و حقوقی سید محمد باقر صدر». پدیدآورنده(ها): سید علیرضا حائری، حامد نیکو نهاد، حسین امینی پژوه: فصلنامه دانش حقوق عمومی: تابستان ۱۳۹۷، شماره ۲۰ و نیز مقاله «قانون و مبانی هستی‌شناختی آن در فلسفه سیاسی شهید صدر». پدیدآورنده(ها): منصور شاطری، محسن رضوانی: نشریه معرفت: مهر ۱۳۹۵، شماره ۲۲۶

^۳ Conventional Content Analysis

۱- چارچوب مفهومی

در پاسخ به مسئله پژوهش حاضر میان اندیشمندان مسلمان با چالش‌هایی روبرو هستیم که به طور کلی می‌توان گفت دو نظریه مبنی بر پذیرش حق قانون‌گذاری مردم و عدم پذیرش آن وجود دارد؛ برخی بر این باورند که قانون صرفاً اسلام است و مردم حق قانون‌گذاری ندارند، مگر در امور شخصی، که این امور نیز فاقد اوصاف قاعده حقوقی و قانون اصطلاحی هستند (Nouri A, 1362 AH: 56-57; Nouri B, 1362 AH: 106-107; Hosseini Tehrani, 1421 AH: 3/172-173; Tabrizi, 1374 AH: 131). در مقابل این اندیشه، برخی دیگر قانون‌گذاری از سوی مردم را تجویز نموده‌اند که در این دسته نیز با دو نوع تفکر مواجه هستیم: برخی چنین می‌پندارند که اسلام هیچ محدودیتی برای قانون‌گذاری توسط مردم در نظر نگرفته است، چرا که وضع قوانین یک امر سیاسی است و دین از سیاست جدا می‌باشد (Soroush, 2002: 92)؛ اما عده‌ای دیگر یکسری محدودیت‌هایی برای قانون‌گذاری از سوی مردم در نظر گرفته‌اند و آن را محدود به برنامه‌ریزی‌های اجرایی و تشخیص موضوع نموده‌اند (Khomeini, 1385: 15/312; Khomeini, 1423 AH: 44; Montazeri, 1409 AH: 2/95; Sobhani Tabrizi, 1385: 101-102; Makarem Shirazi, 1428 AH: 3/253) و یا صرفاً عدم مخالفت با قوانین شرعیه را کافی دانسته‌اند (Na'ini, 1412 AH: 45). بررسی شرایط و محدودیت‌های قانون‌گذاری مردم صرفاً بر اساس اندیشه اخیر ممکن است. از این رو، به مهم‌ترین مفاهیمی که سازه بحث را تشکیل می‌دهد، اشاره می‌شود:

۱-۱- قانون و قانون‌گذاری

در فرهنگ‌نامه‌ها و لغت‌نامه‌های زبان فارسی، کلمه «قانون» به معنای اصل، امر کلی و مقیاس هر چیزی، ضبط گردیده و برگرفته از زبان عربی دانسته شده است (Dehkhoda, 1377: 11/17396). واژه قانون، در علوم مختلف برای اصطلاحات گوناگونی به کار برده می‌شود (Amid, 1389: 809). (Jahami and Daghim, 2006: 2163-2166)، اما در پژوهش حاضر معنای اصطلاحی آن در علم حقوق مورد پذیرش است. قانون در اصطلاح حقوقی، به دو گونه ماهوی^۲ و صوری (شکلی)^۳ تعریف می‌گردد؛ در تعریف صوری قانون گفته شده است: «حکمی است، که از طرف مقام صالح دولت، برای قانون‌گذاری و بر طبق تشریفات مقرر در قانون اساسی، وضع شده است، قانون در این

^۱ Law

^۲ Substantive law

^۳ Formal law

نشریه علمی بحران پژوهی جهان اسلام

معنا اعتبار خود را از صورت و تشریفات خاص وضع آن می‌گیرد» (Katouzian, 2006: 2/68)، اما قانون به معنای ماهوی آن: «صورتی از قاعده حقوقی است که به وسیله مقام صالح دولتی و به منظور اجرای قوه قانون‌گذاری یا اجرایی نوشته می‌شود» (Katouzian, 2006: 2/69). لازم به ذکر است که در منابع حقوقی، هرگاه واژه قانون به کار برده می‌شود، معنای ماهوی آن اراده می‌گردد، (Katouzian, 2006: 2/69) و در نوشتار پیش‌رو نیز همین معنا مقصود است.

قانون به معنای ماهوی آن در عرض عرف (عادت) و رویه قضایی - در برخی نظام‌های حقوقی - به‌عنوان یکی از منابع حقوق و از انواع قواعد حقوقی، قلمداد می‌شود (Madani, 1370: 162; Golduzian, 1386: 23). قاعده حقوقی نیز شرایطی دارد و بایستی کلی، الزامی، دائمی و دارای قلمرو اجتماعی باشد.^۱

بر اساس این اوصاف و با توجه به تعریف ماهوی قانون، می‌توان مطالب ذیل را نتیجه گرفت: الف) برای قانون شمرده شدن یک قاعده حقوقی، تفاوتی ندارد که توسط مجلس و قوه مقننه به تصویب رسیده باشد یا این که جزو مصوبه‌ها و آیین‌نامه‌های قوه مجریه، هیئت وزیران یا سایر عوامل اجرایی حکومت باشد. البته در حقوق اساسی، قانون به معنای ماهوی آن را در معنای محدودتری به کار می‌برند که صرفاً شامل مصوبات قوه مجریه می‌گردد، ولی این معنا در پژوهش حاضر مقصود نمی‌باشد.^۲ ب) قانون و شریعت دو اصطلاح در عرض یک‌دیگر بوده و جغرافیای معنایی متفاوتی خواهند داشت، به صورتی که هر قاعده و حکم شرعی تنها در صورتی قانون شمرده می‌شود که توسط یک مقام صالح دولتی به تصویب و وضع برسد، ولو این تصویب و وضع به نحوی باشد که شامل تمام احکام شرعی گردد؛ نظیر آنچه در اصل چهارم و اصل هفتاد و دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مشاهده می‌گردد. ج) قوانین به اعتبار قدرت و رتبه به سه دسته: قانون اساسی، قوانین عادی و قوانین اجرایی و اداری تقسیم شده‌اند (Katouzian, 2011: 121). تعریف مذکور از قانون در پژوهش حاضر شامل همه انواع این قوانین می‌گردد، چرا که همه آن‌ها می‌بایست توسط مقام صالح دولتی وضع و قرارداد شوند.

^۱ ر.ک: فلسفه حقوق، ج ۱، ص ۵۱۶-۵۴۳؛ مبانی و کلیات علم حقوق، ص ۳۰-۳۹

^۲ ر.ک: فلسفه حقوق، ج ۲، ص ۷۰

از آنچه در معنای قانون گفته شد، می‌توان دریافت که قانون گذاری^۱ نیز در این پژوهش به معنای عام آن به کار گرفته شده است و وابسته به رعایت تشریفات خاص تصویب قوانین نیست و هر نوع مصوبه‌ای را که مقام صالح دولتی با رعایت شرایط قاعده حقوقی وضع نماید شامل می‌شود.

۱-۲- مردم

هرچند واژه مردم در عرف زبان فارسی به معنای توده‌ای از انسان‌ها بدون توجه به قومیت، ملیت و یا عقیده می‌باشد، اما در پژوهش حاضر واژه مردم اضافه به حکومت اسلامی شده و در نسبت با آن در نظر گرفته شده است، بنابراین مقصود از مردم، اجتماع مجموعه‌ای از انسان‌ها می‌باشد، که تابع حکومت اسلامی بوده و آن را پذیرفته‌اند، در نتیجه نسبتی با آن پیدا کرده و به صورت مردم حکومت اسلامی درآمده‌اند. البته لازم به ذکر است که مراد از مردم بدون در نظر گرفتن شأن قانون گذاری آن‌هاست، چراکه با دخالت حیث قانون گذار بودن، دایره شمولیت مردم محدودتر می‌گردد و هر شرطی که برای صدق عنوان قانون گذار در نظر گرفته شود، به اصل مسئله یعنی شرایط قانون گذاری مردم بازگشت پیدا کرده و صحت شرعی قانون گذاری مردم را محدود خواهد نمود، بنابراین قیودات دیگر تعریف مردم، که داخل در شرایط قانون گذاری می‌گردند، ذیل «شرایط قانون گذار» خواهد آمد.

۱-۳- شرایط و صحت شرعی

واژه «شرط» در زبان فارسی اسم مفرد و به معنای الزام و تعلیق امری به امر دیگر است (Moein, 2007: 937 and 939; Amid, 2009: 698 and 699). به عقیده برخی این واژه در علوم مختلفی هم چون فلسفه، نحو عربی، فقه، اصول فقه و... معانی اصطلاحی متفاوتی پیدا کرده است،^۲ در مقابل بعضی نیز اختلاف معانی اصطلاحی را پذیرفته و همه آن‌ها را یک معنای واحد می‌دانند و آن صرف مقید شدن امری به امر دیگر و برقراری ارتباط به نحو اناطه بین دو چیز است (Mousavi Khoei, 1406 AH: 2/61; Iravani, 1417 AH: 7/297-298). با توجه به این که در پژوهش حاضر شرط را به معنای «امری که شارع صحت فعل را منوط به آن نموده است» در نظر گرفته‌ایم، در نتیجه صرف «اناطه و مقید شدن صحت شرعی فعل، به امری» مقصود بوده و با مبنای دوم سازگار است.

^۱ Legislation

^۲ ر.ک: الموسوعة الجامعة لمصطلحات الفكر العربي و الاسلامی، ج ۱، ص ۱۴۹۵-۱۴۹۹

مراد از صحت در مقابل فساد نیز مترتب شدن آثاری است که از آن امر انتظار می‌رود (Makarem Shirazi, 1428 AH: 1/105 and 1/575) و هنگامی که صحت شرعی در مقابل صحت عرفی و عقلایی مقصود باشد یعنی نزد شارع مقدس صحیح بوده و او اجازه ترتیب اثر بدهد (Jalalizadeh, 1387: 196; Sanu, 1427 AH: 255; Sadr, 1417 AH: 3/67).

۲- امکان قانون‌گذاری مردم از دیدگاه شهید صدر

وقتی سخن از قانون‌گذاری مردم در میان باشد بایستی دو پیش‌فرض اساسی را پذیرفت؛ اول) پذیرش حکومت قانون‌مدار^۱ در مقابل حکومت‌های شخص‌مدار مانند نظام سلطنتی مطلقه^۲ یا دیکتاتوری؛ و دوم) پذیرش حق قانون‌گذاری برای مردم^۳ در برابر انحصار آن برای قشر خاص و نخبه‌گرایی^۴ و مشابه آن. بنابراین قبل از پرداختن به نظر شهید صدر در خصوص مسئله پژوهش حاضر، بایستی شکل و مدل حکومتی مورد پذیرش ایشان مشخص گردد، تا علاوه بر تبیین پیش‌فرض‌ها و مبادی مسئله، امکان فهم و برداشت‌های دقیق‌تر از عبارات ایشان در کتب مختلف جهت دستیابی به پاسخ مسئله اصلی پژوهش فراهم آید.

شهید صدر حقیقت حکومت اسلامی را «ظهور قدرت عملکرد نبوت» می‌داند، یعنی چیزی که به دست پیامبر سامان داده شده است. (Sadr, 1434 AH: 5-1/25). هم‌چنین ایشان مخالف اصالت اجتماع و اصالت فرد است، بلکه اصالت را به شریعت داده و معتقد است با تطبیق شریعت توازن بین فرد و جامعه برقرار می‌گردد (Sadr, 1434 AH: 5-1/25). بنابراین در اندیشه ایشان، شریعت جایگاه ویژه‌ای در حکومت دارد. شریعت نیز همانند قانون در نظام‌های قانون‌مدار است؛ چه آنکه در این‌گونه نظام‌ها اساس حکومت بر پایه یک سند بالا دستی به نام قانون است و قانون بالاترین سلطه و نفوذ را در ارکان جامعه داشته و همه در برابر آن مساوی‌اند.^۵ بر همین اساس شهید صدر نیز

^۱ Rule of law

^۲ Absolute monarchy

^۳ Democracy

^۴ Aristocracy

^۵ ر.ک: حاکمیت قانون مفاهیم، مبانی و برداشت‌ها. مال‌میری، احمد. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. تهران. ۱۳۸۵.

حکومت اسلامی را حکومت قانون‌مدار دانسته‌اند،^۱ که در آن شریعت بالاترین نفوذ حکومتی را داشته و مسلط بر مردم و حاکمان است، در نتیجه به صراحت مخالفت خود، با حکومت‌های پادشاهی و هر نوع فرد محوری را ابراز می‌دارد. (Sadr, 1434 AH: 5-1/25) بنابراین می‌توان ادعا نمود که شهید صدر معتقد به حکومت قانون‌مدار می‌باشد.

شهید صدر در تبیین شکل و نوع حکومت اسلامی عبارات متعددی دارد. عباراتی که از آن‌ها شکل‌های مختلف حکومتی برداشت می‌شود، بگونه‌ای که در تبیین نظر ایشان در نوع حکومت اسلامی میان پژوهشگران اختلافاتی دیده می‌شود، ولی به طور کلی سه نظریه در نوع حکومت به شهید صدر نسبت داده شده‌است: (۱) نظریه حکومت شورایی؛ (۲) نظریه ولایت مرجع؛ (۳) نظریه حکومت ترکیبی (Fazeli, 2011: 82).

بنابر نظریه ولایت مرجع، مردم هیچ نوع جایگاه مستقلی در حکومت نداشته و تمام امر حکومت به مرجع صالح رشید واگذار شده‌است، هر چند این مرجع می‌تواند به مردم اجازه وضع قانون بدهد، ولی مردم نماینده و وکیل او خواهند بود و استقلالی در قانون‌گذاری نخواهند داشت. طبق این نظریه مجالی برای بحث از مسئله پژوهش حاضر و محدودیت‌های قانون‌گذاری توسط مردم نخواهد ماند چه آنکه مردم اساساً حق قانون‌گذاری ندارند. اما با توجه به عباراتی که به عنوان شاهد برای نظریه اول و دوم ذکر شده‌است، می‌توان ادعا نمود که ایشان در هر کدام از آن عبارات، صرفاً بخشی از نظریه جامع خود (حکومت ترکیبی) را ارائه نموده‌اند و در مقام نفی نظریه سوم نبوده‌اند، چه آنکه صرف اثبات یک شی، نفی غیر خود را به ارمغان نمی‌آورد.

به هر حال از نوشته‌های پایانی شهید صدر از جمله دو مکتوب «خلافة الانسان و شهادة الأنبياء» (Sadr, 1434 AH: 5-1/146) و «لمحة فقهية تمهيدية عن مشروع دستور الجمهورية الإسلامية في إيران» (Sadr, 1434 AH: 5-1/24) که در کتابی با عنوان «الاسلام يقود الحياة» گرد آمده است، پذیرش نظریه سوم یعنی ترکیبی بین دموکراسی (حکومت مردم) و ولایت فقیه به دست می‌آید (Al-Nu'mani, 1424 AH: 2/26-35). علاوه بر این برخی دیگر از شاگردان ایشان با اطلاعاتی که

^۱ در نگاه برخی میان حکومت قانون‌مدار با حکومت شریعت‌مدار تفاوت‌هایی گذاشته شده و این دو مفهوم را در عرض یکدیگر تلقی نموده‌اند ولی به نظر می‌رسد حکومت شریعت‌مدار صرفاً یک شکل از حکومت قانون‌مدار است که در محتوا و منابع قانون، متکی به شریعت است. لذا تعبیر به قانون‌مدار صحیح و به‌جا خواهد بود.

از زندگی شخصی ایشان داشته‌اند، به تطور نظرات ایشان و پذیرش نظر سوم به عنوان نظر نهایی اذعان داشته‌اند.^۱

در مقام جمع‌بندی می‌توان از تصریح ایشان به دموکراسی و مردم‌سالار بودن حکومت اسلامی (Sadri, 1434 AH: 5-1/20-26)، پذیرش حق قانون‌گذاری برای مردم را استفاده نمود، چرا که اساس دموکراسی بر پایه همین حق است. البته ایشان این نکته را نیز تذکر داده‌اند که دموکراسی در حکومت اسلامی با ضوابط و شرایطی همراه خواهد بود و این مقاله نیز در صدد بررسی همین شرایط در خصوص حق قانون‌گذاری است.

۳- شرایط صحت شرعی قانون‌گذاری از سوی مردم

شهید صدر به طور خاص و در ذیل عنوان مستقلی به بررسی مسئله پژوهش حاضر پرداخته‌اند در نتیجه بایستی عبارات مختلف ایشان گردآوری شده و دسته‌بندی گردد.

تنوع آثار برجای مانده از شهید صدر در موضوعاتی نظیر اقتصاد، فلسفه، فقه، اصول فقه، سیاست و... موجب پراکندگی اندیشه و افکار ایشان، در موضوعات متعدد گشته است و تا جایی که ممکن است مطلبی در خصوص مسئله پژوهش حاضر، ذیل عنوانی بیگانه همچون اقتصاد مطرح گردد و چنین برداشت شود که این مطلب، اختصاص به مسائل اقتصادی دارد، اما با توجه به این که گوناگونی موضوع قانون، دخالتی در تغییر شرایط اصل قانون‌گذاری ندارد، می‌توان برای پاسخ به مسئله پژوهش حاضر، از شرایط قانون‌گذاری ذیل هر عنوانی که مطرح شده باشد، استفاده نمود، مگر در مواردی که قرینه‌ای برای اختصاص شرطی به یک عنوان یافت شود. بنابراین ما در بررسی آثار شهید صدر محدودیتی از جهت منابع قائل نشده و علاوه بر متون سیاسی از سایر متون نیز استفاده می‌نماییم.

۱. ر.ک: مباحث الأصول، القسم الثاني ج ۱، ص ۹۲؛ حکیم، سید محمد باقر. النظرية السياسية عند الشهيد الصدر. مجلة الموسوم.

شماره ۲۶ و ۲۷. سال ۱۴۱۶. کوفه. ص ۳۸۱-۳۹۴

۳-۱- شرایط قانون‌گذار

در مقدمه تبیین شد که حکومت مورد پذیرش شهید صدر از نوع مردم‌سالار است که در چنین حکومتی به طور کلی مردم از حق قانون‌گذاری برخوردارند. این حق از نظر اسلام با ضوابط و شرایطی همراه است، که برخی از آن‌ها ناظر به خود افراد قانون‌گذار است.

۳-۱-۱- مسلمان

هر شخصی که سرزمین اسلامی را به عنوان وطن خود قرار داده و خود را تابع سیاسی حکومت اسلامی می‌داند چه مسلمان باشد چه غیر مسلمان، بر حکومت اسلامی لازم و واجب است که حقوق او را رعایت کرده و حرمت و کرامت او را حفظ نماید، هم‌چنین نسبت به برگزاری مناسک دینی اش او را آزاد گذارد (Sadr, 1434 AH: 302/17 and 1/22-5). اما از منظر مسئولیت‌پذیری و حکومت‌داری، صرفاً فرد مسلمان است که مجاز به عهده‌داری شأن حکومتی می‌باشد، چرا که فقط امت اسلامی می‌تواند مقام خلافت را بدست آورده و امانت الهی را عهده دار شود، در نتیجه حتی اگر فردی نو مسلمان باشد اقتضای زمام‌داری و عهده‌داری مقام حکم و حکومت خواهد داشت (Sadr, 1434 AH: 302/17 and 1/22-5).

قانون‌گذاری نیز نوعی اعمال حاکمیت است و از شئون حکومتی شمرده می‌شود و از آن رو که حکومت مورد پذیرش شهید صدر، از نوع مردم‌سالاری بوده و در حقیقت مردم در سایه شریعت حاکم محسوب می‌گردند، می‌توان ادعا نمود که ایشان شرط مسلمان بودن را شامل قانون‌گذاری مردم به‌عنوان افرادی که شأن وضع و جعل حکم دارند دانسته و قانون‌گذاری مردم به معنای جعل قواعد الزام‌آور را محدود به مسلمان بودن نموده‌اند. بنابراین بایستی اسلام و مسلمان بودن نیز از منظر ایشان توضیح داده شده و مشخص گردد.

«اسلام» در اصطلاح معنای واضحی دارد و آن عقیده و شریعتی است که حضرت محمد (ص) از سوی خداوند متعال آورده‌اند (Sadr, 1434 AH: 17/244). اما فرد مسلمان می‌تواند به دو صورت دسته‌بندی گردد: یک گروه افرادی که حقیقتاً اسلام آورده و مسلمان واقعی‌اند و قرآن از آنان با عنوان «مؤمن» در برابر «کافر» یاد می‌کند و گروه دیگر افرادی که با اظهار شهادتین و عدم انکار ضروری دین، مسلمان ظاهری‌اند. از منظر شهید صدر هر دو گروه داخل در دولت اسلامی بوده و در برخوردارگی از حقوق حکومتی با یکدیگر برابر هستند (Sadr, 1434 AH: 17/245). بنابراین

نشریه علمی بحران پژوهی جهان اسلام

شهید صدر معتقد است که مردم به صرف اظهار ظاهری اسلام، از حق جعل قاعده حقوقی الزام آور یا همان قانون، برای امت اسلامی برخوردارند و گستره قانون گذاری مردم محدود به مسلمان بودن آنهاست.

۳-۱-۲- عدالت

عدالت در ادبیات فقهی مقابل فسق قرار دارد. شهید صدر عدالت را به استقامت بر خط و مسیر اسلام تعریف می کند، به گونه ای که مرتکب گناه کبیره یا صغیره نشده و این استقامت به عادت و طبیعت او تبدیل شده باشد (Sadr, 1434 AH: 14/21; Sadr, 1410 AH: 1/15). طبق این تعریف، ایشان عدالت را استقامت عملی می داند، که با استقامت نفسانی یعنی عادت، گره خورده است، بر خلاف مشهور فقها، که آن را صرف ملکه نفسانی می دانند (Shahid Thani, 2001: 1/63; Bahrani, 2000: 10/13). در نتیجه بر اساس تعریف شهید صدر، عدالت با ارتکاب کبیره و یا صغیره از بین رفته و با توبه بازمی گردد، البته در صورتی که عادت و طبع وی در استقامت ورزیدن باقی بوده و زائل نگشته باشد (Sadr, 1434 AH: 14/24; Sadr, 410 AH: 1/15). از این تعریف می توان فسق را به فقدان استقامت عملی یا استقامت نفسانی بر خط اسلام و ترک معاصی معنا نمود. در فقه اسلامی بسیاری از احکام و موضوعات مشروط به عدالت است، لذا در نماز جماعت، شهادت، بینه، وصیت و... از آن سخن رفته است (Meshkini Ardebili, 1998: 370). بر همین اساس شهید صدر بنابر قیاس اولویت و اگذاری شأن حکومتی را مشروط به عدالت و عدم فسق می دانند، به این بیان که: «اسلام از تکیه کردن بر شهادت فاسق نهی نموده است و این در حالی است که حکمرانی و رعایت شئون امت از آن خطیرتر و مهم تر است [در نتیجه نباید شأن حکومتی را به فاسق واگذار کرد]» (Sadr, 1434 AH: 17/260).

بنابراین با در نظر گرفتن مبنای ایشان در مردم سالار بودن حکومت اسلامی به معنای برخورداری مردم از حق حکمرانی و توجه به این که قانون گذاری رعایت شئون امت و نوعی حکمرانی است، می توان نتیجه گرفت ایشان قانون گذاری مردم را مشروط به عدالت و فاسق نبودن می دانند، به خصوص این که تنها ضمانت رعایت عادلانه شأن امت در حیطه قانون گذاری، برخورداری قانون گذار از عدالت است.

۳-۱-۳- مقام متناسب حکومتی

از دیگر مواردی که می‌توان از کلمات شهید صدر برای شرایط قانون‌گذار استفاده نمود، برخورداری از مقام صالح حکومتی در خصوص قانون‌گذاری است. شهید صدر قانون‌گذاری را متناسب با شأن حکومتی پیامبر^(ص) و ولی امر بودن او می‌داند و نه شأن نبوت و تشریحی ایشان (Sadr, 1434 AH: 3/444) و این مطلب علاوه بر اینکه اختصاص قانون‌گذاری به مقام نبوت را نفی می‌کند، قانون‌گذاری را نیز مشروط به داشتن مقام حکومتی و ولایت امر می‌نماید، چرا که در نظر شهید صدر، حکمرانی اختصاص به نبی نداشته و مردم نیز می‌توانند متولی امور مسلمین شده و ولایت امر را به دست گیرند (Sadr, 1434 AH: 5-1/20)، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که ایشان قانون‌گذاری از سوی مردم را مشروط به داشتن مقام صالح حکومتی می‌دانند.

علاوه بر این، با توجه به این که حکومت مورد پذیرش شهید صدر، یک حکومت مردم‌سالار است، نه یک حکومت سلطنتی؛ بنابراین ایشان به انحصار مقام قانون‌گذاری به یک شخص نیز معتقد نبوده و آن را حقی برای همه مردم می‌داند، اما روشن است که حکمرانی همه مردم یا به عبارتی قانون‌گذاری همه مردم ممکن نیست و مستلزم هرج و مرج است، لذا شهید صدر در همین رابطه نیز به تشکیل مجلس منتخب و انجام وظیفه قانون‌گذاری توسط این مجلس اذعان می‌دارند (Sadr, 1434 AH: 5-1/22) و همین مطلب شاهد و گواه بر همه‌گیر نبودن قانون‌گذاری، در اندیشه ایشان و اختصاص آن به افرادی از مردم است که دارای مقام حکومتی هستند.

۳-۲- در محدوده منطقه الفراع

دین اسلام دارای شریعت است یعنی صرفاً یک عقیده نبوده و با احکام و دستورات خاص از جانب خداوند متعال همراه است (Hashemi Shahroudi, 1426 AH: 4/674; Sadr, 1434 AH: 17/244). این احکام و دستورات به اعتبارات گوناگونی تقسیم می‌شوند؛ از جمله تقسیم به احکام تکلیفی پنج‌گانه که عبارت‌اند از: وجوب، حرمت، استحباب، کراهت و اباحه [به معنی الاخص] (Maleki Isfahani, 1379: 1/290). در میان این احکام، سه مورد از آن‌ها دارای حکم الزامی نبوده و قابل ترک هستند، که به آن‌ها «احکام ترخیصیه» یا «اباحه به معنی الاعم» گفته می‌شود (Sarwar, 1429 AH: 1/272; A group of authors, 1389 AH: 105).

نشریه علمی بحران پژوهی جهان اسلام

شهید صدر نیز با توجه به همین تقسیم، دین اسلام را دارای عناصر ثابت و عناصر متحرک می‌داند (Sadr, 1434 AH: 5-1/43 and 3/443)؛ عناصر ثابت آن دسته موضوعاتی هستند که برای آن‌ها با نص خاصی از سوی شارع حکم الزامی و جوب یا حرمت بیان شده‌است و در مقابل نیز عناصر متحرک، آن دسته موضوعاتی هستند که شریعت در آن‌ها حکم الزامی ندارد، لذا قابلیت تغییر دارند. البته لازم به ذکر است که مقصود از حکم در این دسته‌بندی، احکام اولیه است که به طبیعت موضوع عارض می‌شوند نه احکام ثانویه‌ای که با حفظ حکم اولی بر آن عارض می‌شوند؛ همانطور که شهید صدر نیز در مواضعی بدان اشاره کرده‌اند (Sadr, 1434 AH: 3/804 and 17/148).

دسته دوم یعنی محدوده احکام ترخیصیه، در دیدگاه شهید صدر «منطقه الفراغ» نام گرفته است. ایشان معتقدند منطقه الفراغ به منزله نقصی در شریعت نیست بلکه شارع مقدس این محدوده را بدون احکام الزامی رها نموده است تا پویایی و تحرک اسلام حفظ شده و بتواند در هر زمانی و با هر شرایطی منطبق گردد (Sadr, 1434 AH: 3/804 and 17/148). بر همین اساس ایشان محدوده دخالت حکومت و دولت را منطقه الفراغ دانسته و مشروط به نبود احکام الزامی نموده‌اند (Sadr, 1434 AH: 3/804 and 17/148). بنابراین می‌توان نتیجه گرفت، که ایشان قانون‌گذاری مردم در حکومت اسلامی را، محدود به دایره منطقه الفراغ و احکام ترخیصیه می‌داند.^۱

۳-۳- محدود به رابطه انسان با طبیعت

انسان، به‌عنوان موجودی که همواره در حال برقراری ارتباط با خود، خدا، سایر انسان‌ها، طبیعت و... است، پیوندهای گوناگونی را در زندگی شخصی و اجتماعی خود می‌آفریند، که در ادبیات شهید صدر از آن‌ها با عنوان «علقه و علاقه» یاد می‌شود (Sadr, 1434 AH: 20/137). شهید صدر از میان همه این روابطی که انسان دارد، دو رکن ثابت و مشترک بین همه جوامع و اجتماعات را برگزیده و به عنوان علاقه اجتماعی در نظر می‌گیرد، که عبارتند از طبیعت و انسان‌های دیگر که با عنوان «برادران انسانی» از آن یاد می‌کند. (Sadr, 1434 AH: 17/114 and 19/106-113) از دیدگاه ایشان این دو رکن در حکومت اسلامی، ذیل یک پیوند چهار سویه جریان می‌یابد، که عناصر آن

^۱ هر چند ایشان این مبنا را بیشتر در اقتصاد اسلامی مطرح نموده‌اند اما مناظ و معیاری که ارائه نموده‌اند کلیت داشته و می‌توان آن‌را به تمام تصرفات حکومت اسلامی تسری داد علاوه بر این عبارات مشابه ایشان در اللمحة الفقهیه نیز عمومیت داشته و از کلیت این مبنا حکایت دارد.

علاوه بر طبیعت و انسان‌های دیگر، شامل خود رابطه و نیز خداوند متعال است و در نهایت از دل آن نظریه استخلاف آشکار می‌شود.

بنابراین انسان در اجتماع یک پیوند با سایر انسان‌ها دارد و یک پیوند با طبیعت و از طرف دیگر خداوند متعال به عنوان اعتبار کننده این خلافت هر چند به‌طور حقیقی در این ارتباط اجتماعی به عنوان یک طرف رابطه در نظر گرفته نمی‌شود، ولی به مثابه یک روح برای ارتباط اجتماعی انسان است، که بنیه اساسی آن را تغییر می‌دهد و موجب تفاوت آن با سایر نظام‌های اجتماعی غیردینی می‌گردد. در چنین نظامی رابطه انسان با سایر انسان‌ها رابطه همکاری است و رابطه انسان با طبیعت رابطه امانت و امانتدار است (Sadr, 1434 AH: 19/106-113).

با توجه به توضیحاتی که گذشت شهید صدر تفکیکی بین رابطه انسان با طبیعت و رابطه انسان با انسان‌های دیگر نموده و قسم دوم را یک رابطه ثابت معرفی می‌کند که در طول زمان‌ها تغییر نمی‌یابد، لذا خداوند متعال این رابطه را با اصول ثابتی همچون عدالت و... برای همه عصرها و دوره‌ها مبتنی نموده است، برخلاف قسم اول که به خاطر پیشرفت و تحول طبیعت، به تبع رابطه انسان با طبیعت نیز دستخوش تغییر و تحول می‌شود، لذا یک رابطه متغیر خواهد بود که در طول زمان‌ها و عصرهای مختلف اقتضائات مختلف خواهد داشت و مستلزم تغییر در احکام است در نتیجه خداوند متعال این قسم را به‌عنوان منطقه الفراغ در نظر گرفته است تا به دست انسان و مطابق رشد و پیشرفت رابطه او با طبیعت سامان یابد (Sadr, 1434 AH: 3/800-803).

از مطالب فوق می‌توان نتیجه گرفت که قانون‌گذاری مردم، به عنوان یک عملکرد اجتماعی در حکومت اسلامی، محدود به رابطه انسان با طبیعت است و در رابطه انسان با انسان، بایستی از اصول ثابت پیروی کرد و حق دخالت و تغییر وجود ندارد.

۳-۴- مطابق مقتضیات زمان و مکان (شرایط تاریخی و جغرافیایی)

با توجه به آنچه در مطالب گذشته به تبیین رسید، می‌توان نتیجه گرفت، که پذیرش منطقه الفراغ عامل پویایی اسلام و شمولیت آن برای همه عصرها و دوره‌هاست، ولی باید توجه داشت که به صرف اثبات منطقه الفراغ، تنها امکان و اقتضاء زمان شمولی و جهان‌شمولی اسلام اثبات می‌گردد، نه اینکه لزوماً اسلام این ویژگی را داشته باشد؛ بنابراین برای تضمین تحقق این مهم بایستی به عنصر دیگری پرداخته شود، که از آن با عنوان «رعایت مقتضیات زمان و مکان» یاد می‌شود.

نشریه علمی بحران پژوهی جهان اسلام

هر اجتماعی در ظرف زمانی و مکانی مخصوص به خود شکل گرفته و ادامه می‌یابد و با تغییر این شرایط تاریخی و جغرافیایی نیازها و اقتضائات جدیدی پیدا می‌کند. پذیرش منطقه الفراغ به ما این امکان را می‌دهد که احکام و قوانین جدیدی برای اجتماع وضع نماییم، اما با پذیرش لزوم توجه به اقتضائات زمان و مکان، این قوانین لزوماً بایستی با شرایط تاریخی و جغرافیایی کنونی منطبق باشند، لذا نمی‌توان قانونی را که به‌عنوان مثال برای شرایط خشکسالی وضع شده است یا برای عصر گاوآهن بوده است اکنون برای سال پر باران یا عصر توسعه ادوات کشاورزی در نظر گرفت. با توجه به این که قانون‌گذاری مردم صرفاً در محدوده منطقه الفراغ پذیرفته شد و منطقه الفراغ نیز در کلام شهید صدر به صراحت محدود به رعایت مقتضیات زمان و مکان است، (Sadr, 1434) می‌توان آن را به‌عنوان یک شرط جهت قانون‌گذاری مردم در نظر گرفت. علاوه بر آن، با تحلیل مبادی پذیرش منطقه الفراغ نیز می‌توان به لزوم رعایت مقتضیات زمان و مکان پی‌برد، به این صورت که عدم رعایت شرایط تاریخی و جغرافیایی فعلی، مستلزم عدم پویایی و انطباق اسلام با عصر حاضر است، که منطقه الفراغ نیز به‌منظور تأمین همین پویایی و توجه به عناصر متحرک جعل شده بود، بنابراین لازمه پذیرش منطقه الفراغ، تبعیت از مقتضیات زمان و مکان در پر کردن آن است و الا جعل آن لغو بوده و با مصلحت آن منافات خواهد داشت.

۳-۵- رعایت مصلحت عموم امت

جهان سیاست در باب جایگاه انسان در عالم و به تبع تبیین رابطه حکومت و مردم، اندیشه‌های مختلفی به خود دیده است. این نظرات تا جایی پیش می‌رود که روابط اجتماعی را یک «جنگ همه بر ضد همه» دانسته و انسان را گرگ انسان معرفی می‌کند و حکومت را صرفاً یک عامل امنیت اجتماعی از این جنگ در نظر می‌گیرد (Hobbs, 2018: 158). در این میان شهید صدر به تعریف غربی از سیاست تاخته و برای انسان در حکومت جایگاه ویژه‌ای در نظر می‌گیرد. از نظر ایشان تعریف صحیح سیاست «رعایت شئون امت» است (Sadr, 1434 AH: 17/306)، بر این اساس حکومت، کارگزار مردم است، نه قدرت سرکوبگر.

شهید صدر، این نگاه به سیاست را در حکومت اسلامی نیز تسری داده و حکم در حکومت اسلامی را به رعایت شئون امت مطابق با شریعت تعریف می‌کند، در نتیجه دولت رعایت‌کننده و

مردم رعیت یا کسی که رعایت در حق او انجام می‌گیرد، خواهد بود (Sadr, 1434 AH: 17/256). این جایگاه ویژه برای مردم مستلزم رعایت شرایط و حدودی در حکومت اسلامی است، که ضامن رعایت شئون امت باشد. آنچه همه این شرایط و حدود را به نفع شئون مردم حفظ می‌کند، رعایت مصلحت امت و مسلمین است. بر همین اساس شهید صدر به تصریح، ذیل مطالب مختلف، دخالت در حکومت اسلامی را محدود به رعایت مصلحت امت می‌داند (Sadr, 1434 AH: 17/272, 17/262, 17/260, 3/458, 3/328, 3/371, 17/307, and 3/358)؛ از جمله دخالت‌ها نیز قانون‌گذاری در حکومت اسلامی توسط مردم است که بایستی با در نظر گرفتن مصلحت عموم مسلمین و امت صورت پذیرد.

۳-۶- مطابقت با قانون اساسی

پیش از این در مفهوم‌شناسی قانون گفته شد، که قوانین به حسب مرتبه و قدرت به قانون اساسی، قانون عادی و قوانین پایین‌تر از آن همچون قوانین اداری تقسیم می‌شوند. هم‌چنین گفته شد که مسئله پژوهش حاضر نسبت به قوانین عمومیت داشته و همه انواع قوانین را شامل می‌شود، در نتیجه در چنین فصلی که صحبت از تقیید قانون‌گذاری به مطابقت با قانون اساسی است، در واقع به جزئی از مسئله پژوهش یعنی قوانین عادی و پایین‌تر از آن می‌پردازیم و قانون اساسی را به‌عنوان قانون بالادستی از آن خارج می‌کنیم، چراکه قانون‌گذاری مردم می‌تواند در قالب قانون اساسی باشد، پس محدود نمودن وضع قانون اساسی به مطابقت با قانون اساسی بی‌معنا خواهد بود؛ بنابراین فصل حاضر، گستره قانون‌گذاری مردم در بخشی از قوانین را محدود و مشخص می‌نماید. برای محدود نمودن قوانینی که در رتبه پایین‌تری از قانون اساسی قرار دارند بایستی ماهیت قانون اساسی مشخص گردد تا قوانین عادی با قوانین اساسی خلط نشده و ضابطه‌مند گردد.

از منظر علم حقوق، قانون اساسی که برتر از سایر قواعد حقوقی است، به لحاظ ماهوی عبارت از قواعدی است، که حاکم بر اساس حکومت و صلاحیت قوای مملکت و حقوق و آزادی‌های فردی باشد، اما باید توجه داشت، که تفکیک قوانین عادی و اساسی، با معیار ماهوی ممکن نیست، لذا مطمئن‌ترین نشانه قانون اساسی، تشریفات مخصوص وضع آن است (Katouzian, 2011: 122-123). در نگاه شهید صدر، مفهوم قانون اساسی، نسبت به اصطلاح رایج آن، گسترده‌تر بوده و علاوه بر قوانین مصوب با تشریفات مخصوص، همه احکام ثابت شرعی را نیز در بر می‌گیرد (Sadr, 1434 AH).

نشریه علمی بحران پژوهی جهان اسلام

AH: 17/264)، حتی اگر طی تشریفات خاص تصویب نشده و در متن قانون اساسی ذکر نشده باشند (Sadr, 1434 AH: 5-1/19).

شهید صدر نیز تمامی قوانینی را که وضع و تصویب آن به عهده مردم نهاده شده است، مشروط به عدم تعارض و تنافی با قانون اساسی می‌نماید، (Sadr, 1434 AH: 5-1/19) که با تبیین فوق از قانون اساسی و قرار دادن آن به‌عنوان یک قانون بالادستی، می‌توان چنین گفت که ایشان وضع قوانین عادی و پایین‌تر از آن را، مشروط به مطابقت با قانون اساسی می‌داند.

نتیجه‌گیری

کشف نظر و دیدگاه شریعت اسلامی در خصوص هر مسئله‌ای به مجتهدین و متخصصین اسلام شناس مربوط می‌گردد و از آن رو که اجتهاد و اسلام شناسی به عنصر زمان و مکان، گره خورده است، دیدگاه شریعت اسلامی در نگاه هر مجتهد و اسلام شناسی با تفاوت‌هایی بروز و ظهور پیدا کرده و نظریات متعدد و متفاوتی را در مسائل گوناگون رقم زده است. از این رو، پژوهش حاضر، به بررسی اندیشه سیاسی «شهید محمد باقر صدر» به‌عنوان یکی از اندیشمندان متاخر مکتب تشیع که دیدگاه‌های نوینی در زمینه حکمرانی اسلامی و شرایط صحت شرعی قانون‌گذاری از سوی مردم ارائه داده، اختصاص یافت و با ژرف‌کاوی عبارات و دیدگاه‌های شهید صدر، تلاشی جهت شناخت نظام اندیشه‌ای ایشان، در خصوص شرایط حضور مردم در صحنه قانون‌گذاری، به عمل آمد. حاصل این تحقیق، دستیابی به هشت شرط از محدودیت‌ها و شرایط قانون‌گذاری مردم بود، که در جدول شماره ۱ می‌توان آن‌ها را ملاحظه نمود.

مسلمان بودن	شرایط قانون‌گذار
عادل بودن	
دارا بودن مقام حکومتی متناسب با قانون‌گذاری	
باید در محدوده منطقه الفراغ باشد	
باید محدود به رابطه انسان و طبیعت باشد	
بایستی مطابقت با مقتضیات زمان و مکان داشته باشد	
باید رعایت مصلحت عموم امت شده باشد	
بایستی مطابقت با قانون اساسی داشته باشد	

جدول-۱. شرایط قانون‌گذاری از سوی مردم در اندیشه شهید صدر

به مدد پژوهش حاضر، اندیشه سیاسی شهید صدر در قالب مسئله‌ای کاربردی درآمده و از صرف مبنای پژوهی انتزاعی، که در پژوهش‌های سابق بدان پرداخته شده است، فاصله می‌گیرد. این مهم با نگاهی به تمامی آثار شهید صدر و گسترش دامنه کتابخانه‌ای پژوهش، در موضوعات گوناگون فقه و اصول فقه، حقوق، اقتصاد و سیاست و نیز پرهیز از جزئی‌نگری مخمل به کشف نظام اندیشه‌ای، فراهم آمده است، به طوری که در هر بحثی کلمات مختلف شهید صدر کنار هم گذارده شده و با برقراری نظم منطقی میان آن‌ها به یکدیگر پیوند خورده اند تا جایی که گویی هر کدام متن مستقلی است که در همان زمینه مورد بحث نگاشته شده است.

کاربست روش کیفی استقرائی و عرفی، گاه ممکن است بی ضابطگی تحقیق را به بار نشانده و از بار علمی آن بکاهد، اما در این پژوهش با مفهوم‌شناسی دقیق و علمی از مفاهیم اساسی همچون قانون و مردم و نیز منقح نمودن چهارچوب مفهومی و شفاف سازی مبنای شهید صدر پیرامون امکان سنجی قانون‌گذاری توسط مردم و پذیرش حکومت اسلامی مردم سالارانه توسط ایشان، به ضابطه‌مندی کم نظیری دست یافته‌ایم. علاوه بر این در هر بحثی، به ذکر مختصر کلام شهید صدر اکتفا نشده و به توضیح و تبیین آن نیز، پرداخته شده است، که حاصل آن، همراه نمودن مخاطب، در برداشت‌ها و دیدگاه‌ها می‌باشد. نظیر آنچه در تبیین معنای عدالت یا بیان رابطه انسان با طبیعت مشاهده می‌شود.

از دیگر دستاوردهای این پژوهش، گشودن افقی جدید پیش روی اندیشمندان و محققان حوزه فقه سیاسی و صدر پژوهی است، افقی که محصول آن جامع‌نگری و ایجاد نظام اندیشه‌ای، در موضوعات و مسائل گوناگون است، به طوری که مبانی نظری اسلام را بیش از پیش به میدان عمل و کاربرد نزدیک نماید. علاوه بر آن، مجال بحث و گفتگوی علمی، پیرامون نهادهای نظارتی، در زمینه قانون‌گذاری مردم را، فراهم خواهد آورد.

تعارض منافع

بنا بر اظهار نویسندگان، مقاله پیش‌رو فاقد هر گونه تعارض منافع بوده است.

Translated References to English

- A group of authors. (2010). Dictionary of Principles of Jurisprudence. Iran-Qom. Islamic Propagation Office of Qom Seminary, Research Department, Research Institute of Islamic Sciences and Culture. First Edition. **[In Persain]**
- Abu al-Baqa, Ayyub ibn Musa. (1998). Al-Kulliyat (A Dictionary of Terms and Linguistic Differences). Lebanon - Beirut: Al-Resalah Publishing House, 2nd edition. **[In Persain]**
- Al-Nu'mani, M. (2003). The Martyr and Witness of the Nation, Iran – Qom. The International Conference of the Martyred Imam Al-Sadr. Second Edition. **[In Persain]**
- Amid, H. (2010). Amid's Persian Dictionary. Iran-Tehran. Rah Roshd Publishing. First edition. **[In Persain]**
- Bahrani, Y. (1959). Al-Hadaiq al-Nadhira fi Ahkam al-Itrat al-Tahira. Iran - Qom: Islamic Publishing Institution. Third Edition. **[In Persain]**
- Bishop Yaqoub, O.M. (1975). Chaldean-Arabic dictionary. Lebanon-Beirut Charters of Babylon Center. **[In Persain]**
- Dehkhoda, A. (1998). Dictionary. Iran - Tehran. University of Tehran. Second edition. **[In Persain]**
- Eyranvani, A. (1986). Hashiyat al-Makasib. Iran - Tehran. Ministry of Culture and Islamic Guidance. First Edition. **[In Persain]**
- Fazeli, M. (2011). The position of the people in the political-religious system from the perspective of Ayatollah Na'ini and Martyr Sadr. Iran-Qom. Al-Mustafa International Translation and Publishing Center. First edition. **[In Persain]**
- George Liddel, H. (1996). A greek english lexicon, Oxford university press, London. **[In Persain]**
- Golduzian, I. (2007). Generalities and Introduction to the Science of Law. Iran-Tehran. Majd Publications. First Edition. **[In Persain]**
- Goodwin, T. (1968). Latin English dictionary, Oxford university press, London. **[In Persain]**
- Hashemi Shahroudi, M. (2005). Dictionary of Jurisprudence According to the Religion of the Ahl al-Bayt (peace be upon them). Iran-Qom. Institute of the Encyclopedia of Islamic Jurisprudence on the Religion of the Ahl al-Bayt (peace be upon them), Ghadir Persian Research Center. First edition. **[In Persain]**
- Hobbes, T. (2018). Leviathan. Translated by Hossein Bashirieh. Iran-Tehran. Ney Publishing House. 12th edition. **[In Persain]**
- Hosseini Haeri, S. (1988). Taqirrat Mabatheth al-Osoul. Iran – Qom. Matba'at Markaz al-Nashr - Maktab al-E'lam al-Islami. First Edition. **[In Persain]**
- Tehrani, M. (2000). Guardianship of the Jurist in the Government of Islam. Iran – Mashhad. Allameh Tabatabaei Publications. Second Edition. **[In Persain]**
- Hrair dekmajian, R. (1995). Islam in revolution : Fundamentalism in the arab world, Syracuse new York, Syracuse university press, Second edition. **[In Persain]**
- Ibn Manzur, M. (1993). Lisan al-Arab. Lebanon - Beirut: Dar Al-Fikr for Printing, Publishing, and Distribution. Third Edition. **[In Persain]**
- Jahami, G.; Dagheem, S. (2006). The Comprehensive Encyclopedia of Terms of Arab and Islamic Thought (Analysis and Critique). Lebanon - Beirut. Library of Lebanon Publishers. First Edition. **[In Persain]**
- Jalali Zadeh, J. (2008). Principles and Terms of Jurisprudence. Iran-Tehran. Ehsan Publishing. First Edition. **[In Persain]**
- Johari, I. (1984). Al-Sihah. Lebanon – Beirut: Dar Al-Ilm Lilmalayin. First Edition. **[In Persain]**

- Katouzian, N. (2006). Philosophy of Law. Iran - Tehran. Publishing Joint Stock Company. Fourth Edition. [In Persain]
- Katouzian, N. (2011). Introduction to the Science of Law. Iran-Tehran. Publication. [In Persain]
- Khafaji, A. (1997). Shifa al-Ghalil. Lebanon – Beirut. Scientific Library. First edition. [In Persain]
- Lipset, S. (2004). Encyclopedia of Democracy. Translated by Kamran Fani and Nora... Moradi. Iran-Tehran. Specialized Library of the Ministry of Foreign Affairs. Second edition. [In Persain]
- Madani, J. (1991). Fundamentals and Generalities of the Science of Law. Iran-Tehran. Hamrah Publishing House. First edition. [In Persain]
- Makarem Shirazi, N. (2007). Anwar al-Usul. Iran-Qom. Imam Ali ibn Abi Talib (PBUH) School. Second edition. [In Persain]
- Maleki Isfahani, M. (1959). Dictionary of Usul Terms. Iran – Qom. Alameh Publishing. First edition. [In Persain]
- Malmiri, A. (2006). Rule of Law: Concepts, Principles and Perceptions. Iran- Tehran. Research Center of the Islamic Consultative Assembly. [In Persain]
- Meshkini Ardebili, A. (1998). Jurisprudence terms and most of its subject titles. Iran-Qom. Al-Hadi Publishing. First Edition. [In Persain]
- Moein, M. (2007). Moein Culture. Iran-Tehran. Edna Publishing. [In Persain]
- Montazeri Najafabadi, H. (1989). Studies in the Authority of the Jurisprudence and the Islamic State. Iran – Qom. Takkar Publishing. Second edition. [In Persain]
- Mousavi Khomeini, R. (1965). Imam's Book. Iran- Tehran. Institute for the Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. Fourth Edition. [In Persain]
- Mousavi Khomeini, R. (2002). Velayat Faqih. Iran - Tehran. Institute for the Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works, Quds Ser. Twelfth Edition. [In Persain]
- Mousavi Khoiy, Q. (1996). The Lamp of Jurisprudence (Al-Makasib). Iran-Qom. Ansarian. [In Persain]
- Naeini, M. (1991). Punishing the Ummah and Purifying the Nation. Iran- Qom. Islamic Propaganda Office of the Seminary. [In Persain]
- Nouri, S. (1983). A treatise on the remembrance of the unaware and the guidance of the ignorant. Letters, announcements, and newspapers of Sheikh Fadl a... Nouri, edited by Mohammad Turkman. Iran - Tehran. Rasa Cultural Services Publishing. [In Persain]
- Nouri, S. (1983). Treatise on the Sanctity of the Constitution and the Apostasy of Constitutionalists. Treatises, Declarations, Letters and Newspapers of Sheikh Fadl a... Nouri, by Mohammad Turkman. Iran-Tehran. Rasa Cultural Services Publishing. [In Persain]
- Payne Smith, R. (١٩٥٧). A Compendious Syriac Dictionary, Oxford university press, London. [In Persain]
- Sadr, M. (1996). Research in the Science of Usul (Report: Abdul Sater, Hassan). Lebanon - Beirut. Dar Al-Islamiyyah. First Edition. [In Persain]
- Sadr, M. (2013). Encyclopedia of the Martyr Imam Sayyid Muhammad Baqir Al-Sadr, may his soul rest in peace. Iran – Qom. Shahid Sadr Specialized Scientific Research Institute. Second edition. [In Persain]
- Sadr, M. (1990). Minhaj al-Salehin (Al-Mahshi). Lebanon - Beirut. Press release. First edition. [In Persain]
- Sano, M. (2006). Dictionary of Terms of Principles of Jurisprudence. Syria-Damascus. Dar Al-Fikr. [In Persain]

نشریه علمی بحران پژوهی جهان اسلام

- Shahid Thani, Z. (1960). Letters of Shahid al-Thani. Qom – Iran. Bostan Kitab (Islamic Propaganda Office of the Qom Seminary). First edition. **[In Persain]**
- Sobhani Tabrizi, J. (2006). Islamic Government in Our Perspective. Iran – Qom. Imam Sadiq (peace be upon him) Institute. **[In Persain]**
- Soroush, A. (2002). Tradition and Secularism. Iran - Tehran. Sirat Cultural Institute. First edition. **[In Persain]**
- Surur, I. (2008). The Comprehensive Dictionary of Scientific and Religious Terms. Lebanon - Beirut. Dar Al-Hadi. **[In Persain]**
- Tabrizi, M. (1995). Treatise on "Kashf al-Murad min al-Mashruta wa al-Istibdad". Constitutionalism Treatises, edited by Mohammad Zargarinajad. Iran - Tehran: Nashr-e Kavir. **[In Persain]**
- Turahi, F. (1996). Bahrain Assembly. Iran - Tehran. Mortazavi Publishing House. Third edition. **[In Persain]**

